

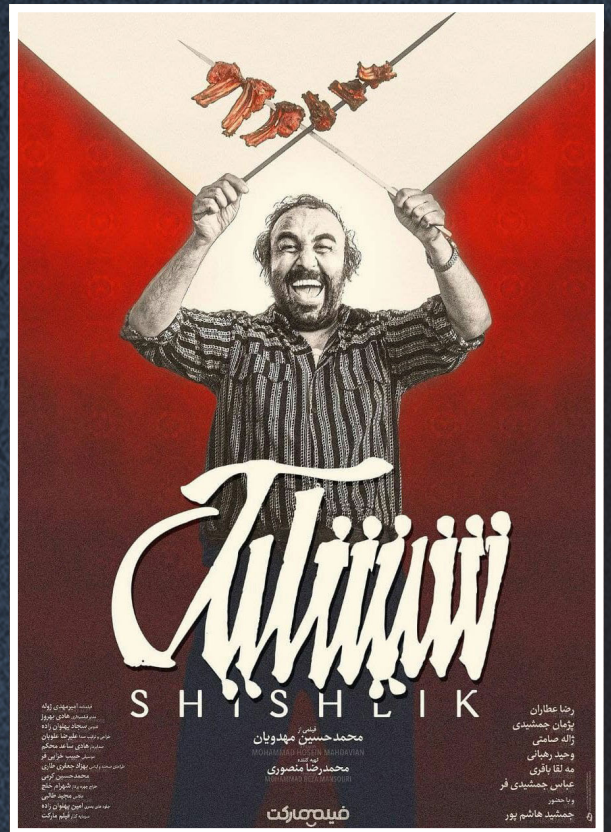
بحث ما از خوشایندمان به روند تکرار یک اثر در خشان از یک فیلمساز با همان سبک و سیاق مساله‌ای در راستای عادت است اینکه یک فیلمساز بخواهد خرق عادت کند و در ژانرهای متعدد طبع آزمایی کند بحث دیگری است و بد و خوبش هم الان موضوع نیست، مساله این است که «شیشلیک» با چند فیلم قبلی محمد حسین مهدویان تفاوت فرمی و محتوایی دارد اما نه از زمین تا آسمان! فیلمی که اگر بخواهیم عصاقورت داده و کاملاً با ژست روشنفکرانه آن را تماشا کنیم آن را بر خورنده و پر از شوخی‌های ریکی می‌دانیم اما اگر از آن ژست بیرون بیاییم و از همان لنز محمد حسین مهدویان به قضیه نگاه کنیم با یک کمدی سیاه طرفیم که یک موقعیت به ظاهر طنز را آنقدر هم می‌زند که مخاطب را شیرفهم کند که «طرب‌آباد» که منشأ غم و بدبختی است کجاست و زندگی اهالی آن چگونه است و کسانی که به آنها دستور می‌دهند و تصمیم گیرنده اند چگونه زندگی می‌کنند؟ کاری که او در فیلم‌های دیگر هم انجام داده و در دل تاریخ گذشته نقد‌های امروزی‌اش را با نشانه‌گذاری مطرح کرده است.

تغییر موضع دوربین و شکل فیلمبرداری و میزانشن چینی که تقریباً امضای مهدویان شده و با هادی بهروز در خشان از آب در می‌آید در این اثر به وضوح پیداست و روایت‌گری مستندمحور و تماشای یک حاضر غایب که همیشه مطلوب اهالی نقد بود در «شیشلیک» کاملاً به نفع قصه جای خودش را به یک دید رئال داده که تلاش میکند صرفاً در صحنه حاضر باشد و فقط شمه‌ای از آن را در بهترین صحنه فیلم (شبه استندآپ واقعی

آن را بازگشت باشکوه ستاره سابق سینمای ایران بعد از چند سال دوری و چند فیلم نه چندان موفق دانست، از مهم‌ترین وجوه انتخاب بازیگر و اجرا در «بی همه چیز» است که به نظر می‌رسد با دقت و زمان زیادی صورت گرفته است. دیگر بازیگران فیلم نیز از باران کوثری تا هادی حجازی‌فر همگی با تکیه بر شخصیت پردازی درست و دقیق، در منبع اقتباسی از اجرای کاراکترهای پیچیده و به شدت سمپاتیک موفق عمل کرده‌اند تا «بی همه چیز» علاوه بر پیشرفت در داستانگویی، در شخصیت پردازی نیز نمونه‌ای عمیق و مثال‌زدنی باشد. عوامل فنی «بی همه چیز» نیز از فیلمبرداری تا تدوین و موسیقی به‌طور قابل‌ملاحظه و ملموسی درست و دقیق با تم داستان و جزئیات قصه همراه هستند تا جایی که بتوان از همین حالا این فیلم را یکی از رکوردداران نامزدی سیم‌رغ در بسیاری از رشته‌ها پیش‌بینی کرد. موسیقی حامد ثابت و تدوین عماد خدابخش از موثرترین عوامل فنی فیلم «بی همه چیز» هستند که در روانی و همراهی مخاطب با فیلم نقش مهمی داشتند.

شیشلیک

ساخته جدید مهدویان در نگاه نخست از آن جهت کنجکاوی برانگیز است که این فیلمساز نسل جدید سینمای ایران در تغییر مسیری قابل‌تأمل از موفقیت در چند مستند داستانی، در چرخشی معنادار در ابتدا به سراغ یک درام معمولی به نام «لاتاری» رفت و حالا در فیلم جدید خود به سمت ژانر قابل‌توجه این روزهای سینمای ایران یعنی کمدی رفته است.



مشکل «شیشلیک» در وهله نخست به شوخی‌های تکراری، بهره‌گیری از الگوی مفهوم افعال و اعمال معکوس و کلیشه‌هایی برمی‌گردد که ژوله در نوشته‌های طنز خود و بخصوص شب‌های برره پیش از این، تجربه بستری و اینجا با برخی سینمایی با برخی زیرلایه‌های اجتماعی آن را قوام بخشیده است اما نتیجه در حد همان طنزهای نود شنبی هم در نیامده و کلیشه‌های طنز تکراری شده در خود فیلم نیز آنقدر گل‌درشت و تکراری از آب درآمده که به ضد خودش تبدیل می‌شود

مهم‌ترین اتفاقات این سال‌های سینمای ایران است که نشان می‌دهد پیوند ادبیات و سینما تا چه حد می‌تواند باشد. در زمانه‌ای که عمده فیلمسازها به دنبال ساختن فیلم‌های اجتماعی یا کمدی هستند و اپیدمی فرهادی و روستایی و فیلم‌هایشان همچنان بر سینمای ایران سایه افکنده، قرآنی با بهره‌گیری از نمایشنامه تراژیک ملاقات بانوی سالخورده از فرمایش دورنمات و تبدیل آن به یک نسخه سینمایی قابل‌قبول توانسته گامی بلند در کارنامه فیلمسازی خود و ارتقای سطح کیفی سینمای تکراری و یکنواخت ایران بردارد.

فیلم اگر چه شاهکار از آب در نیامده و شبیهی شخصیت‌ها تا اندازه‌ای خام به نظر می‌رسد اما در سطح سینمای ایران و ارتباط با تماشاگر تا حد زیادی موفق عمل کرده است. حضور بازیگران مختلف در نقش کاراکترهای متنوع و تاثیرگذار که همگی از نسخه اقتباسی داستان استخراج شده، شاید یکی از جذابیت‌های اولیه «بی همه چیز» باشد که در گام نخست بتواند تماشاگر عام را ترغیب به تماشای فیلم کند. حضور کاریزماتیک هدیه تهرانی که می‌توان